

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: جهانگیر

۲۶.۰۶.۱۰

جنبش کارگری :

از اول ماه می ۸۸ تا اول ماه می ۸۹

اول ماه می امسال را باید در امتداد روندی دانست که اول می سال ۸۸ نقطه عطف آن بود در این سال جنبش کارگری و علی الخصوص گرایش چپ وارد فاز جدیدی از مبارزه سیاسی و صنفی خود گشت . اهمیت اول ماه می ۸۸ از آن روست که اولاً قطعنامه مشترک آن به نام کارگران ایران بود نه صرفاً فعالین کارگری و دو شکل مهم کارگری موجود نیز پای این قطعنامه آمده بودند . در وهله دوم اهمیت آن به این خاطر است که اول ماه می ۸۸ به قبل از خیزش توده ئی یکسال گذشته بر می گردد و نشان داد که جنبش کارگری نه زائده ای بر این جنبش (انگونه که بعضی جریانات به آن دامن می زدند) بلکه حتی قبل از آن مطالبات سیاسی و صنفی خود را که مطالبه تمامی توده زحمتکش جامعه بود را رو به جامعه بیان نمود و از سایر جنبش ها به عنوان متحد خود در راه متحقق ساختن این مطالبات نام برد و آنها را دعوت به اتحاد حول این خواسته ها نمود . هر چند که مراسم اول ماه می سال گذشته با دستگیری گسترده فعالین کارگری در همان روز و روزهای بعد از آن همراه بود اما پیروزی بزرگی برای جنبش کارگری بود و با این روز جنبش کارگری قدم محکمتر دیگری رو به جلو برداشت . زیرا برای اولین بار بعد از سالها این فعالین طبقه کارگر بودند که مراسم خود را بدون هیچ مجوزی و با فراخوان عمومی و علنی از دولت در قلب شهرها برگزار می کردند و خانه کارگریها به عکس سالهای قبل به سالنها و به مراسم محدودی خزیده بودند . اما از طرف دیگر این دستگیریها در طول سال گذشته (تقریباً تا اواخر سال ۸۸) به نحوی منفعل شدن طبقه کارگر (نه کارگران به صورت منفرد) را در برابر خیزش توده ئی به همراه داشت . چند ماه از اعتراضات خیابانی گذشته بود اما هنوز فعالین کارگری یا در زندان بودند و یا تحت فشار و پیگرد و یا با وثیقه های سنگین آزاد شده بودند همین مسأله باعث شد که کارگران به عنوان طبقه علی رغم اینکه همه نگاهها حتی و حتی نگاههای نگران و وحشت زده لیبرالها و اصلاح طلبان به آنها دوخته شده بود به عنوان یک طبقه و با خواسته ها و پرچم واحد نتوانند در جنبش اعتراضی ایفای نقش کنند فعالین چپ کارگری در این دوره ضربه خورده بودند .

بعد از گذشت شش یا هفت ماه که از جنبش اعتراضی گذشته بود کم کم تمامی فعالین کارگری که در اول ماه می دستگیر شده بودند آزاد شدند (هر چند هنوز منصور اسانلو و علی مددی و علی نجاتی و سایر رهبران کارگری سندیکاها موجود در زندان مانده بودند) و با آزادی این فعالین، فعالیت آنها نیز برای متشکل نمودن طبقه کارگر و ایفای نقش در جنبش آزادیخواهانه توده ها باز هم از سر گرفته شد. اما شاید سؤال این باشد که چرا آنها پس بعد از آزادی از زندان بلافاصله برای این کار اقدام نکردند برای جواب این سؤال باید اشاره کرد که جنبش کارگری و فعالان آن دارای گرایش یگدست نیست گرایشات گوناگونی در آن وجود دارد که قاعداً این گرایشات تحلیلهای متفاوتی از وضعیت سیاسی پیش آمده در ایران داشتند و بنابراین ستراتیژی ها و تاکتیک های متفاوتی هم در این میان طرح می شود بنابراین طبیعی است که فعالان کارگری مدتها طول کشید تا بر سر این مسائل به توافق برسند و بتوانند اتحاد عمل و نظری را در بین خود به وجود بیاورند. که به نظر من بیانیه اول ماه می امسال نشان داد که طبقه کارگر و فعالینش در این مدت بیکار ننشسته بودند که تنها شاهد ماجرا باشند بلکه آنها با هوشیاری در این راه قدم برداشتند و توانستند این چنین بیانیه و فراخوان عمومی و علنی خطاب به طبقه کارگر و سایر توده های معترض بدهند و باید به عزم بلند و راسخ این دوستان درود فرستاد.

دلیل دیگری که در سال گذشته برای عدم حضور طبقه کارگر (نه کارگران به صورت منفرد) در جنبش توده ای می توان اشاره نمود (و همین مسأله هم باعث شد که فعالان کارگری دیر عکس العمل نشان دهند) نبود تشکلهای کارگری و از جمله نبود حزب طبقه کارگر بود که بتواند در سطح سراسری این فعالین به بحث و تبادل نظر بپردازند و سریعاً به نتیجه مورد نظر در این رابطه دست پیدا کنند یعنی وجود این تشکلهای باعث تسریع در روند تصمیم گیری فعالین کارگری در داخل کشور می شد. چیزی که سالهاست طبقه کارگر برای داشتن آن مبارزه می کند زیرا به خوبی به این مسأله آگاه است که بدون داشتن تشکلهای واقعی اش توان پیشبردن مبارزه خود را به هیچ درجه ای نخواهد داشت و حتی اگر در غیاب این تشکلهای هم بتواند به درجه ای از مطالبات خود هم برسد مطمئناً این دستاوردها پایدار نخواهد بود کما اینکه در مورد دو تشکل کارگری موجود (سندیکای هفت تپه و شرکت واحد) شاهد آن هستیم این تشکلهای به دلیل سراسری نبودن تشکلهای کارگری به شدت زیر ضرب حکومت قرار دارند و به راحتی رهبران آنها را زیر فشار و زندان قرار می دهد. اما اختناق و سرکوب در طول این سالها همیشه مانع و سد اصلی و مهمی در سر راه این طبقه برای متشکل شدن بوده است. در این مقطع نیز طبقه کارگر از همین آگاهی حرکت کرده است که امروز به درست خود را در مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران سهیم می داند. امروز هیچ کارگری نیست که نداند آزادی سیاسی برای او به اندازه نان شب حیاتی است زیرا برای فریاد گرسنگی اش هم باید باتوم بخورد به زندان برود. امروز کدام کارگری است که نداند برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه باید مرفه زندگی کند و برای همین خواسته هم باید با اختناق و سرکوب دست به گریبان شود.

از طرف دیگر در فاصله این دو اول ماه می بحران اقتصادی و سیاسی رژیم عمیق تر شده است. تعجیلی که رژیم در اجرای سیاست های نئو لیبرالی خود دارد یکی از نشانه های این است که این رژیم نیز به مانند همه رژیم های سرمایه و حامیان آن می خواهد بار هزینه های این بحران و راه حل های آن را بردوش توده های زحمتکش مزدبگیر بیندازد.

حملات مستقیم رژیم به معیشت و زندگی کارگران و توده های زحمتکش در این یکسال شدید تر شده است. اجرای طرح حذف پارانه ها (سوبسید ها) که از پایه ای ترین مایحتاج مردم شروع می شود و نیز حمله مجدد و اینبار وحشیانه تر به سطح دستمزدها و بیکار و اخراج سازی های گسترده دستگیری و فشار بر فعالان کارگری و

همچنین تشکلهای کارگری قراردادهای سفید امضاء و موقت همه در راستای این سیاستهای ضد کارگر رژیم قرار دارد اما از طرف دیگر همه این مسائل زمینه را برای موج دوم این خیزش آماده تر ساخته است و این را حتی خود سران رژیم می دانند و نسبت به شروع آن مدام هشدار می دهند .

نزدیک شدن به پایان سال ۸۸ و افت اعتراضات مردمی به دلیل نظامی کردن جامعه و تشدید فضای امنیتی و همچنین دستگیریها و محاکمات گسترده فعالین جنبشهای مختلف نشان داد که ادامه جنبش تنها با اعتراضات خیابانی راه به جایی نمی برد و جنبش برای ادامه خود به سترائژی مشخص نیاز دارد . امنیتی کردن خیابانها شاید بتواند سد و مانع اعتراضات خیابانی باشد اما حکومت به وسیله ملیتاریزه نمودن جامعه نمی تواند با خالی شدن کارخانه ها در اثر اعتصاب کارگران برخورد نماید کارگران را نمی شود با زور اسلحه به کارخانه ها فرستاد . بنابراین این نقطه ای بود که طبقه کارگر و فعالینش به درستی در اول ماه می امسال به آن پی بردند و ادامه اعتراضات و اعتصابات را تا متحقق شدن خواسته ها و مطالباتشان در قطعنامه اول ماه می اعلام نمودند و این مسأله می تواند راه را برای پیشروی هر چه بیشتر جنبش اعتراضی و ضد دیکتاتوری توده ها باز نماید کما اینکه در سال ۵۷ و قبل از قیام بهمن این امر روی داد . بنابراین از همه مهمتر طبقه کارگر و فعالینش در اول ماه می امسال تنها هدفشان طرح مطالبه و خواسته های طبقه کارگر و سایر توده های محروم نبود بلکه مهمتر از آن آنها با این کار تنها سترائژی ممکن برای پیشروی جنبش اعتراضی را به توده ها نشان دادند . طبقه کارگر سالهاست که مطالباتش را در مناسبت های مختلف و یا در اعتراضاتش ارائه نموده و اینجا در اول ماه می امسال آنچه از اهمیت بسزایی برخوردار است این است که اینبار در کنار بیان مطالباتش با قدرت هرچه تمام نشان داد که سترائژی متحقق ساختن این مطالبات هم برای خود طبقه کارگر و هم برای توده مردم معترض در اختیار دارند . آنها بدون اخذ مجوزی از هیچ نهاد دولتی و حکومتی مراسم اول ماه می را به مانند سال گذشته (اما اینبار گسترده تر) در قلب شهر های مختلف برگزار کردند و در مقابل باز هم به مانند گذشته خانه کارگریها مراسمی را در صبح زود در همان روز در ورزشگاه خیر العمل شروع کردند و در ساعت ۱۱ سریعاً به پایان بردند اما علی رغم اینکه مراسم دولتی بود باز هم اطراف محل برگزاری کاملاً امنیتی شده بود زیرا بر اساس تجربه سالهای قبل احتمال خارج شدن برنامه از دست خانه کارگریها وجود داشت . از طرف دیگر امسال حکومت در سرکوبی و دستگیری کارگران و فعالینش چندان موفق نبود با مقایسه این مسأله با اول ماه می ۸۸ و دستگیری گسترده کارگران و فعالین کارگری در آن روز و با تعمق در اتفاقات یکسال گذشته (علی الخصوص سرکوب های وحشیانه اعتراضات مردم در ششم دی ماه) می توان پی برد که امروز رژیم به واقع بر اثر شکاف در جریان حاکم و نیز بحران اقتصادی و سیاسی موجود و نیز دست و پنجه نرم کردن با یک جنبش اعتراضی در طول یکسال ، دچار ضعف و فرسایش تدریجی شده است و گرنه باید پرسید که چه اتفاقی در این مدت افتاده است که باعث شده رژیم قادر به انجام این کار نباشد ؟

بنابر این اول ماه می امسال را باید در روند تدریجی یکسال گذشته و اتفاقات آن و نیز در بطن شرایط سیاسی و اقتصادی امروز ایران در نظر گرفت تا بزرگی و گسترده بودن این حرکت و اهمیت بسزای آن در جنبش آزادیخواهی توده ها مشخص گردد اول ماه می امسال تنها حلقه محکمی از زنجیری است که جنبش طبقه کارگر را مستقیماً وارد کارزار سیاسی برای کسب آزادیهای سیاسی و متحقق شدن مطالباتش در جهت رفاه عمومی توده ها می نماید .

بهمن قهرمانی

۲۰۱۰-۰۵-۰۲